

بررسی تأثیر دین‌داری بر گرایش به رفتار انتخاباتی شهروندان اصفهانی با تأکید بر نظام مردم سالاری دینی

زهرا سادات کشاورز، دانشجوی کارشناسی ارشد شیعه‌شناسی «گرایش جامعه‌شناسی» دانشگاه اصفهان*

علی ربانی خوراسگانی، دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه اصفهان

بهجت یزدخواستی، دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه اصفهان

چکیده

رفتار انتخاباتی مؤلفه‌ای دویعدی ناظر بر گرایش، مشارکت و تعاملات میان آن دو است. این پژوهش با هدف تعیین رابطه سطح دین‌داری با رفتار انتخاباتی در بین شهروندان اصفهانی صورت گرفته است. چارچوب نظری پژوهش بنا به تناسب موضوع، نظریه‌های ماکس وبر، آلکسی دو توکویل و مکاتب مربوط به این حوزه بررسی شد. روش تحقیق در این پژوهش، روش کتابخانه‌ای و پیمایشی است و برای گردآوری اطلاعات میدانی از ابزار پرسشنامه بهره گرفته شده است. جامعه آماری پژوهش، شهروندان بالای ۱۸ سال مناطق چهارده‌گانه شهر اصفهان در سال ۱۳۹۱ است که تعداد ۳۸۴ نفر از طریق فرمول تعیین حجم نمونه کوکران و در نهایت، به روش نمونه‌گیری سهمیه‌ای انتخاب شدند. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز از آزمون‌های آماری شاخص‌های پراکندگی مرکزی، t -test، تحلیل واریانس یک‌طرفه، ضریب همبستگی پیرسون و ضریب همبستگی چندگانه استفاده شده است. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که بیشترین مقدار تأثیرگذار، بعد اعتقادی دین‌داری با بعد میزان مشارکت رفتار انتخاباتی ($r=0,89$) و در ادامه بعد اعتقادی دین‌داری و بعد گرایش رأی‌دهی رفتار انتخاباتی ($r=0,71$ *)، بعد مناسکی دین‌داری با بعد میزان مشارکت رفتار انتخاباتی ($r=0,58$ **)، بعد مناسکی دین‌داری و بعد گرایش رأی‌دهی رفتار انتخاباتی ($r=0,47$ *) و بعد تجربی دین‌داری با بعد گرایش رأی‌دهی رفتار انتخاباتی ($r=0,16$ **) تأثیرگذار بوده است.

کلید واژه‌ها: میزان دین‌داری، رفتار انتخاباتی، مشارکت سیاسی، گرایش رأی‌دهی.

بیان مسأله

مشارکت سیاسی به عنوان یکی از انواع مشارکت از شاخص‌های توسعه اجتماعی^۱، توسعه فرهنگی^۲ و توسعه سیاسی^۳ در کشورها به شمار می‌رود و از مصادیق حضور مردم در تعیین سرنوشت خود است که در نهایت، برون‌داده‌ی سیاسی دارد. به همین جهت است که برای اهل اندیشه، مستمسک خوبی به منظور تعمق و تأمل خواهد بود. بی‌تردید، آنچه از صندوق‌های رأی بیرون می‌آید، برآیند عقل جمعی یک جامعه است و می‌تواند شاخص تحلیل‌های متعدد قرار گیرد (مور، ۱۳۸۵: ۵۷). رفتار انتخاباتی بیانگر الگوی خاصی از رفتار سیاسی است که مبتنی بر مجموعه نگرش‌ها، ارزش‌ها، ایستارها، هنجارها و آداب و رسوم یک جامعه می‌باشد و متداول‌ترین کاربرد این اصطلاح در جامعه‌شناسی و روان‌شناسی اجتماعی نیز به این صورت است. رفتار رأی‌دهی و مشارکت در انتخابات، آشکارترین نوع مشارکت سیاسی^۴ برای اغلب شهروندان در جوامع مردم سالار است. رأی‌دادن مؤثرترین و عملی‌ترین وسیله برای شهروندان است تا افکار و عقاید خود را در اداره امور عمومی و اجتماعی اعمال کنند. رأی‌گیری در واقع یک نوع سازوکار اجتماعی برای گردآوری و تشخیص گزینه‌ها و ارجحیت‌های اجتماعی است. اساسی‌ترین عملکرد مشارکت رأی‌دهی، فرصت دادن برای جانشینی و انتقال مناصب و مسؤولیت‌ها در جامعه است (پاتنام، ۱۳۸۰: ۲۹۳).

بنا به تعریف‌های مختلف رفتار انتخاباتی، می‌توان آن را «اعمال ترجیحات سیاسی رأی‌دهندگان دانست که اولین گام آن مشارکت یا عدم مشارکت در انتخابات است.» (لیپست، ۱۳۸۳: ۷۶۲؛ پیشگاهی‌فرد، ۱۳۸۰: ۱؛ شهیدی‌نیا، ۱۳۷۹: ۴). ضرورت انجام این پژوهش، به علت کمبود کار تحقیقی درباره رابطه دین‌داری و رفتار انتخاباتی در داخل کشور و نتایج و اطلاعات متناقض است زیرا؛ دین‌داری صرفاً یکی از عوامل مؤثر بر رفتار

انتخاباتی است که تغییر آن در جامعه به صورت یکباره و در یک محدوده زمانی کوتاه امکان‌پذیر نمی‌باشد. دیدگاه برخی تحلیل‌گران سیاسی بریتانیا از جمله آلفورد (1967; 1973)، پالز (1967)، باتلر و استوکس (1969) و نتایج برخی از تحقیقات کیم (2006)، بر این باور است که جهت‌گیری دینی و دین‌داری بر رفتار انتخاباتی اثری ضعیف و یا هیچ اثری بر آن ندارد. به عقیده این دسته از دانش پژوهان، عامل اصلی و تعیین‌کننده رفتار انتخاباتی «طبقه اجتماعی» است؛ به طوری که تحلیل‌های بعدی نیز در مورد تأثیرگذاری طبقه اجتماعی بر رفتار انتخاباتی، نقش دین را نادیده یا ناچیز شمرده‌اند (Heath et. al. 1985; Bartle, 1998; Sarlvick & Crewe, 1983; Rose & McAllister, 1986). در مقابل، نتایج تحقیقات بسیاری دین و دینداری را از عوامل اصلی شکل‌دهی به رفتار انتخاباتی معرفی می‌کنند. دین‌داری^۶ یا التزام دینی^۷ نیز یکی از مفاهیمی است که پژوهشگران در حوزه مورد علاقه‌شان؛ یعنی مطالعه تجربی دین به آن بسیار توجه نموده‌اند. در طول دو دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ هیچ موضوعی در مطالعات تجربی دین به اندازه تعیین مشخصات مفهومی دین‌داری مورد توجه قرار نگرفته است. اگرچه مفهوم دین‌داری پیش از سال ۱۹۶۰ در پژوهش‌های علوم اجتماعی به کار رفت و تعریف عملیاتی شد؛ ولی چارچوب تحلیلی مورد نیاز برای تعریف عملیاتی این مفهوم، در طول دهه ۱۹۶۰ توسعه یافت (سراج‌زاده و توکلی، ۱۳۸۰: ۱۶۰). تمام ادیان، هنجارها و ارزش‌های خاص خود را از طریق آیین‌ها و مناسک و یا در متون خود در قالب یک جهان بینی خاص به پیروان خود عرضه می‌دارند؛ جهان بینی‌ای که عرصه‌های مختلف زندگی انسان، از جمله عرصه سیاسی را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. البته، باید توجه داشت داعیه سیاسی مذاهب مختلف به یک میزان نیست.

کمبود کار تحقیقی درباره رابطه دینداری و رفتار انتخاباتی در داخل کشور ضرورت و اهمیت درجه اول این تحقیق است. از سوی دیگر، بحث‌ها و تحقیقاتی در مورد اهمیت سیاسی

¹ Social Development

² Cultural Development

³ Political Development

⁴ Moore

⁵ Political Participation

⁶ Religiousness

⁷ Religious commitment

رفتارشناسی رأی‌دهندگان در دوم خرداد ۱۳۷۶»، علی درزی (۱۳۸۲) «جامعه‌شناسی انتخابات: تحلیل الگوی رفتار انتخاباتی مردم استان مرکزی در هشتمین دوره انتخابات ریاست جمهوری»، سیدرحیم ابوالحسنی (۱۳۸۴) «نگرش و گرایش سیاسی مردم (اصلاح طلبی یا محافظه کاری)»، محمدرضا طالبان و مهدی میرزائی (۱۳۸۹) «بررسی تجربی ارتباط سطوح دین‌داری با رفتار انتخاباتی دانشجویان»، سید جواد امام جمعه‌زاده، رضا محمود اوغلی و امید عیسی‌نژاد (۱۳۸۹) «بررسی رابطه میان دین‌داری و مشارکت سیاسی دانشجویان دانشگاه اصفهان»، محمدرضا طالبان و مهدی میرزائی (۱۳۹۰) «دین‌داری و رفتار انتخاباتی»، دکتر سید جواد امام جمعه‌زاده، محمودرضا رهبر قاضی، کمال برزگر قاضی، زهرا صادقی نقدعلی (۱۳۹۲) «رابطه میان دین‌داری و رفتار انتخاباتی»، سمرت و همکارانش (۱۹۹۰) «اثر دین‌داری بر مشارکت سیاسی و عضویت در انجمن‌های اختیاری در بین سفیدپوستان و سیاه‌پوستان»، مکالوسو و وانات (۱۹۷۹) «مشارکت انتخاباتی و دین‌داری»، کوتلر و برکویتز (۲۰۰۱) «دین و رفتار انتخاباتی در بریتانیای کبیر»، کیم (۲۰۰۶) «دین و گرایش‌های سیاسی در کره جنوبی»، ویلیامز (۱۹۹۹) «تجربه مذهبی و مشارکت سیاسی سیاه‌پوستان آمریکایی در یک ساختار شهری» توانست در زمینه تدوین اصول و مبانی نظری کمک قابل توجهی به پژوهش کند.^۱

تحقیقات و پژوهش‌های متعددی در زمینه مشارکت سیاسی مردم انجام شده است، اما با این حال نقد و بررسی این مطالعات نشان می‌دهد موضوع جهت‌گیری دینی و دین‌داری، به عنوان یکی از عوامل شکل‌دهی افکار عمومی، عقاید و باورهای سیاسی - اجتماعی مردم در فعالیت‌های انتخاباتی که به نحوی با مشارکت سیاسی مرتبط است، به طور خاص مورد بررسی قرار نگرفته است. بلکه اثر برخی مؤلفه‌های دینی

دین صورت گرفته است؛ در همین باره برگر (۱۳۸۰: ۲۹-۲۷) با تجدید نظر در نظریات قبلی خود در باب سکولاریسم، از افول آن صحبت می‌کند. وی عصر حاضر را «عصر جهانی دین» می‌نامد و می‌گوید: «نمی‌توان گفت ما در جهان دنیوی شده زندگی می‌کنیم و دنیا به جز چند پنداشت، پر از احساسات دینی است». برگر تأکید می‌کند از نقش و جایگاه دین در تحلیل مسائل جهان غفلت شده است. او نشان می‌دهد جهان امروز جهانی به شدت دینی است؛ بنابراین، نمی‌توان از نقش و اهمیت دین در تحلیل مسائل جهان که سیاست هم بخشی از آن است، غفلت کرد. همچنین، در سایه این بحث‌ها و نظریات نظریه‌پردازان و صاحبان اندیشه، تحقیقات بی‌شمار و بسیار جدی در این زمینه در خارج از کشور انجام شده است. با نگاهی به محتوای تحقیقات انجام شده نیز می‌توان به این نکته پی برد که در بیشتر آن‌ها دین و دین‌داری عوامل بسیار تأثیرگذار در رفتار سیاسی (مشارکت، رفتار رأی‌دهی و ...) افراد و از متغیرهای قابل ملاحظه در تحقیقات مربوط به تحکیم دموکراسی است (بوش، ۱۹۹۶؛ کیم، ۲۰۰۶).

براساس مدعا و استدلال‌های ارائه شده، پرسش اصلی تحقیق را می‌توان چنین مطرح کرد: آیا میزان دین‌داری شهروندان شهر اصفهان بر رفتار انتخاباتی‌شان تأثیرگذار است؟ بنابراین، هدف از این پژوهش نشان دادن تأثیر میزان دین‌داری بر رفتار انتخاباتی در دو سطح گرایش رأی‌دهی و میزان مشارکت در انتخابات است.

پیشینه تحقیق

در بررسی پیشینه پژوهش دو بخش، شامل پژوهش‌های انجام شده در داخل و خارج از کشور به منظور یافتن منابع مورد استفاده، مدنظر قرار گرفت. در این خصوص پژوهش‌های داوود رضی (۱۳۷۴) «بررسی تطبیقی میزان مشارکت مردم در انتخابات شش دوره ریاست جمهوری پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران از سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۷۲»، علی ربیعی (۱۳۸۰) «جامعه‌شناسی تحولات ارزشی: نگاهی به

^۱ تحقیقات خارجی دیگری نیز وجود دارد که کم و بیش به روابط یاد شده در بالا اشاره می‌کند؛ اما برای جلوگیری از اطباب کلام از ذکر آنها خودداری می‌کنیم. (Jones-Correa & Leal, 2001; Egmond et al. 1998; Smith et al. 1999; Busch, 1998; McKenzie, 2004a)

«اینگلهارت» نیز مشارکت سیاسی را دو گونه می‌داند که هریک ناشی از فراگردی یکسره متفاوت است: نخست: مشارکت سیاسی سرآمد- وابسته یا وابسته به نخبگان.

دوم: مشارکت سیاسی سرآمد- گردان (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۳۸۱).

از نظر وی، تفاوت شرایط اجتماعی مانند سطح توسعه اقتصادی- اجتماعی می‌تواند به این دو گونه مشارکت بینجامد. گونه نخست شیوه تازه‌ای از سیاست است که نقش مهم‌تری به جامعه می‌دهد (از آن‌ها نمی‌خواهد که تنها به انتخاب دو یا چند گروه از تصمیم‌گیران بپردازند) و ویژه جوامع پیشرفته صنعتی است که با گذر از گونه نخست به آن رسیده‌اند (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۳۸۱).

گونه دوم مشارکت سیاسی (سرآمد- گردان) شیوه کهنه‌ای از مشارکت است که در اروپا در سال‌های پایانی سده نوزدهم و آغاز سده بیستم، جامعه را با ابزارهایی چون اتحادیه‌های کارگری، کلیسا و احزاب بسیج می‌کرد. در این سازمان‌ها (که بر سلسله مراتب استوار بود) شمار اندکی از رهبران یا رؤسای سیاسی، اکثریتی از گروه‌های منظم مردمان را رهبری می‌کردند و در دوره‌ای که آموزش اجباری عمومی تازه ریشه گرفته بود و شهروندان تا اندازه‌ای از سطح پایین مهارت‌های سیاسی برخوردار بودند، این سازمان‌ها در به میدان آوردن بخش گسترده‌ای از شهروندان که به تازگی دارای حق رأی شده بودند، کارساز بودند (همان).

به گمان وی، مشارکت از نوع دوم، مشارکتی بسیار محدود است. مشارکت سرآمد- گردان ممکن است پیش از آنکه بازتاب اثر اولویت‌های شهروندان بر تصمیمات نخبگان باشد، رهبری شدن مردمان از سوی آنان را نشان دهد. به گونه فشرده، ویژگی‌های مشارکت سیاسی وابسته به نخبگان را چنین است:

۱- متناسب با سطوح پایین توسعه اقتصادی است

همچون پایبندی به احکام و تعهدات دینی (درزی، ۱۳۸۲) و مشارکت در هیأت‌های مذهبی (ابوالحسنی، ۱۳۸۴) بر رفتار انتخاباتی، در کنار سایر عوامل سنجیده شده است. تحقیقات موجود در ایران فارغ از نقدهای نظری برای تبیین رابطه دین‌داری و رفتار انتخاباتی نشان می‌دهند رفتار انتخاباتی کم و بیش تحت تأثیر جهت‌گیری‌های دینی افراد می‌باشد. همچنین در بیشتر تحقیقات خارجی، دین‌داری تنها در دو بعد رفتاری و اعتقادی (دین‌باوری) بررسی شده است؛ در حالی که امروزه تبیین نظری این مفهوم در ابعاد بیشتری مشاهده می‌گردد (طالبان و میرزائی، ۱۳۸۹: ۳۸).

به طور کلی، در روش اسنادی و کتابخانه‌ای به منظور بررسی پیشینه پژوهش با بهره‌مندی از تعدادی از منابع فارسی و لاتین، به مطالب ارزشمند پراکنده اما همراستا با موضوع پژوهش برخورد شد؛ این بررسی‌های علمی و اثبات شده می‌توانستند رکن اساسی فرضیه‌ها و بخش گسترده‌ای از موضوع پژوهش را تشکیل دهند.

مبانی نظری

رفتار در رأی‌دهی (گزینه‌های نامزد از سوی دارندگان شرایط رأی دادن) در نگاهی کلی می‌تواند برآیند تعامل عوامل اجتماعی در سه سطح باشد:

- ۱- در سطح کلان، نوع و میزان مشارکت سیاسی؛
 - ۲- در سطح میانه، احزاب، جناح‌ها، سازمان‌ها، انجمن‌ها، گروه‌ها، اقوام و نژادها؛
 - ۳- در سطح خرد، ویژگی‌های فردی نامزدها.
- از کمپ^۱ برای شناخت نوع مشارکت سیاسی شهروندان سه شاخص به دست می‌دهد:
- ۱- چگونگی انتخاب نامزدها؛
 - ۲- نوع و اندازه مشارکت شهروندان در تصمیم‌گیری‌های سیاسی و اقتصادی؛
 - ۳- اندازه قدرت شهروندان، انجمن‌ها، گروه‌ها و احزاب.

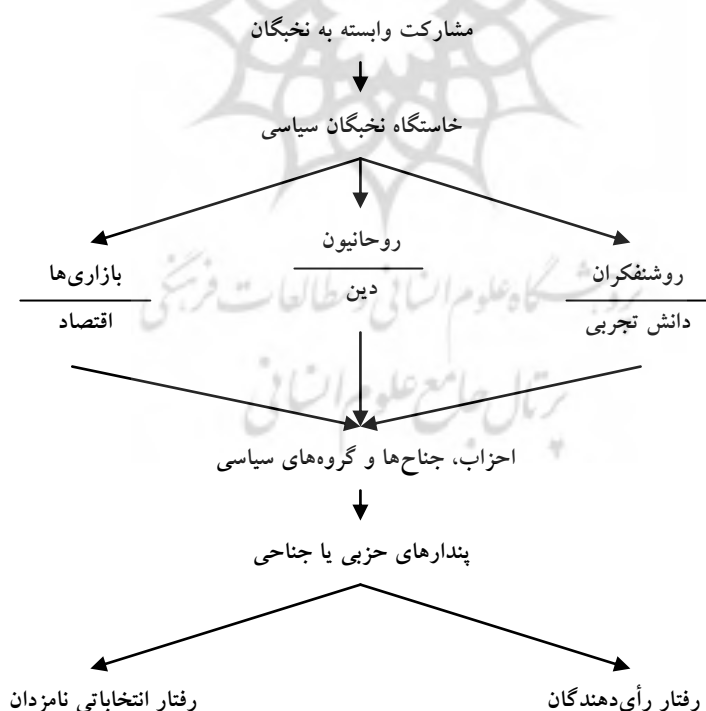
² Elitedirected

¹ Oskamp

(اینگله‌هارت، ۱۳۷۳: ۳۸۳).

- ۲- متناسب با گونه معینی از مشارکت، مانند رأی دادن است (زیرا از رأی دادن نیازی اندک به واکنش استوار بر شناخت در برابر مسائل جاری دارد یا بی‌نیاز از آن است (همان: ۳۸۳).
- ۳- شهروندان حامی مشارکت وابسته به نخبگان کم و بیش بی‌سواد هستند و از نظر مهارت‌های سیاسی (دانش و اطلاعات) در سطح پایین قرار دارند (با وجود این از یک حزب سیاسی جانبداری می‌کنند) (همان: ۴۰۸).
- ۴- بسیاری از سازمان‌های مشارکت‌دهنده شهروندان، همان سازمان‌های کهن (احزاب) هستند و شبکه‌های نیرومند سازمانی که برخاسته از سطوح عالی مهارت‌های سیاسی باشد، در این گونه جوامع وجود ندارد.
- ۵- تحصیلات رسمی به عنوان شاخص مهارت‌های سیاسی (یا به بیانی سطح تجهیز شناختی شهروندان) سخت پایین است (همان: ۳۸۱).

- ۶- وظایف سیاسی زیر سایه شدید جنسی است ... حضور زنان در زندگی سیاسی بسی کمتر از مردان است (همان: ۳۸۳).
- ۷- هرچند رأی دادن فعالیت مهمی در گونه مشارکت سیاسی وابسته به نخبگان است؛ اما شاخص برجسته‌ای در گونه‌های پویاتر مشارکت نیست (همان: ۳۸۵).
- ۸- این گونه مشارکت نیازمند «بسیج بیرونی» است که تا اندازه زیادی همان بسیج پشتیبانی توده‌ها از راه سازمان‌ها و تشکیلات موجود، مانند: احزاب، اتحادیه‌ها، مؤسسات مذهبی و ... است که نخبگان جامعه از این راه به تحریک و فعال کردن شهروندان می‌پردازند (همان: ۴۰۹).
- ۹- جهت‌گیری پیروان حزبی (جناحی) وابسته به نخبگان یا سربازان وفادار، بیشتر براساس روابط گروهی تا دل‌نگرانی برای تصمیمات سیاسی ویژه است (همان: ۴۰۱).



شکل ۱- مدل رفتار رأی‌دهندگان در نظام‌های در حال توسعه

چارچوب نظری تحقیق

درباره تبیین نظری رابطه دین‌داری و رفتار انتخاباتی، نظریاتی، همچون: قومی- مذهبی^۱ (Guth & Green, 1986; McCormick, 1986; Miller & Shanks, 1996; Swierenga, 1990; Lipset & Rokkan, 1967; Lipset, 1964) تعلقات اجتماعی (لازارسفلد و همکاران، ۱۳۸۲)، سرمایه اجتماعی (پاتنام، ۱۳۸۰، Greely, 1997; Wood, 1997; Verba et al. 1995) دلبستگی گروهی^۲ (Marshall, 1996; Dennis, 1987) و نظریه جنگ‌های فرهنگی^۳ و نتایج تحقیقات پیشین وجود دارد؛ اما در این تحقیق رابطه بین دین‌داری و رفتار انتخاباتی با توجه به نظریه جنگ‌های فرهنگی، نظریات ماکس وبر، الکسی دو توکویل، لنسکی و نتایج تحقیقات پیشین مورد تبیین قرار می‌گیرد. دلیل انتخاب نظریات یاد شده داشتن قدرت تبیینی بالاتر و نزدیکی بیشتر به واقعیت مورد مطالعه در ایران نسبت به دیگر نظریه‌هاست.

نظریه جنگ‌های فرهنگی حاصل کار جامعه‌شناسانی، همچون: هانتز^۴ (1991، 2006) و وثنو^۵ (1988) است و به‌وسیله آن‌ها توسعه پیدا کرده است و افرادی همچون لیمن^۶ و کارماینز^۷ (1997) نیز آن را در تحقیقات به کار برده‌اند. منظور از اصلاح جنگ‌های فرهنگی، اختلافات مذهبی؛ یعنی تفاوت‌ها در چگونگی و میزان اعتقادات و رفتارهای دینی هواداران و حامیان احزاب و گرایش‌های مختلف سیاسی است که همگی پیرو یک آیین مذهبی نیز هستند. به اعتقاد هانتز محور این جنگ‌های فرهنگی، اختلافات اخلاقی و مذهبی عمیق^۸ است. در یک سوی این اختلافات فرهنگی، افرادی با اعتقادات و دلبستگی‌های مذهبی سنتی و یا میزان زیادی از التزامات مذهبی قرار دارند که تمایل دارند به یک منبع اقتدار

اخلاقی متعالی^۹ قابل تعریف و بیرونی التزام داشته باشند و در سوی دیگر آن، افرادی با اعتقادات مذهبی مترقی و التزام مذهبی پایین‌تر هستند؛ آن‌ها حقایق اخلاقی اردوگاه سنت گرایان را تماماً رد می‌کنند و به جای آن یک نوع اقتدار اخلاقی انسانی را در درون مرزهای معرفت و دایره تجربه بشری جایگزین می‌کنند (لیمن، ۲۰۰۱: ۳). هانتز و وثنو بیان می‌کنند که منازعات فرهنگی جاری، به سیاست‌های حزبی موجود شکل تازه‌ای داده است؛ به طوری که حزب جمهوری خواه را به ائتلافی از سنت‌گرایان فرهنگی و مذهبی تمام سنت‌های دینی تبدیل کرده است و حزب دموکراتیک را به خانه لیبرال‌های اخلاقی و مذهبی (همان: ۱۲)؛ تا جایی که گرین^{۱۰} (۲۰۰۷: ۳) می‌گوید: «جمهوری خواهان تجسمی از حزب معتقدان و دموکرات‌ها تجسمی از بی‌اعتقادان شده‌اند».

این مدل بر رابطه دین‌داری و رفتار انتخاباتی در درون یک سنت دینی و نه در بین سنت‌های دینی تأکید می‌کند؛ یعنی این که به جای یک سنت مذهبی تقویت‌کننده، راست‌کیشی (اعتقاد داشتن)^{۱۱} و التزام مذهبی (رفتار کردن)^{۱۲} به عنوان دو بعد از دین‌داری، خود به خلق ارزش‌های متمایز و مشخصی در بین پیروان یک سنت مذهبی منجر می‌شوند. براساس این نظریه، اختلافات سیاسی کلیدی بین پیروان مذهب مختلف نیست، بلکه در میان کسانی است که دارای سطح بالایی از اعتقادات و التزامات دینی (دین‌داران بالا) و کسانی که دارای سطح پایینی از اعتقادات و التزامات دینی هستند، در تمام سنت‌های دینی است (لیمن، ۲۰۰۱: ۶۶). اعتقادات مذهبی به این علت رفتار انتخاباتی را تحت تأثیر قرار می‌دهند که منبع ارزش‌های سیاسی و اجتماعی هستند؛ ارزش‌هایی که مستقیماً حمایت‌های حزبی افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهند (کوتلر و برکوویتز، ۲۰۰۱: ۵۵۳). عقاید الهی درباره اخلاقیات و کنش‌های اجتماعی پسندیده، اغلب

¹ Ethnoreligious

² Group Affect

³ Culture Wars

⁴ Hunter

⁵ Wuthnow

⁶ Layman

⁷ Karmaynz

⁸ Deep-Seated

⁹ Transcendent

¹⁰ Green

¹¹ Doctrinal orthodoxy (believing)

¹² Religious commitment (believing)

نظر نشان می‌دهند. تعلیمات و آموزه‌های دینی درباره اخلاقیات و کنش‌های اجتماعی پسندیده، اغلب رفتارهای سیاسی افراد و هنجارهای گروهی را هدایت می‌کند و یا به عبارت دیگر، افراد را نسبت به یک سری ترجیحات سیاسی و حزبی مشخص که پایه مذهبی دارند، جامعه‌پذیر می‌کند. بنابراین، اصرار بر اعتقادات و ارزش‌های اخلاقی - مذهبی و زنده نگه‌داشتن این ارزش‌ها و اعتقادات به وسیله رفتارهای مذهبی، از جمله: انجام مراسم عبادی، خواندن کتاب مقدس و ... در واقع، تقویت هرچه بیشتر ترجیحات سیاسی و حزبی برآمده از تعلیمات و آموزه‌های دینی است. علاوه بر این، نظریات شواهد تجربی نیز رابطه میزان دین‌داری با گرایش رأی‌دهی را تصدیق می‌کنند. آمریکا و انگلیس نمونه بارز این گونه رفتار انتخاباتی هستند. در آمریکا کسانی که دین‌داری بیشتری دارند، به دلایل گفته شده به حزب محافظه‌کار جمهوری‌خواه و کسانی که میزان دین‌داری پایینی دارند، به حزب لیبرال دموکرات رأی می‌دهند (لیمن، ۲۰۰۱: ۶۷).

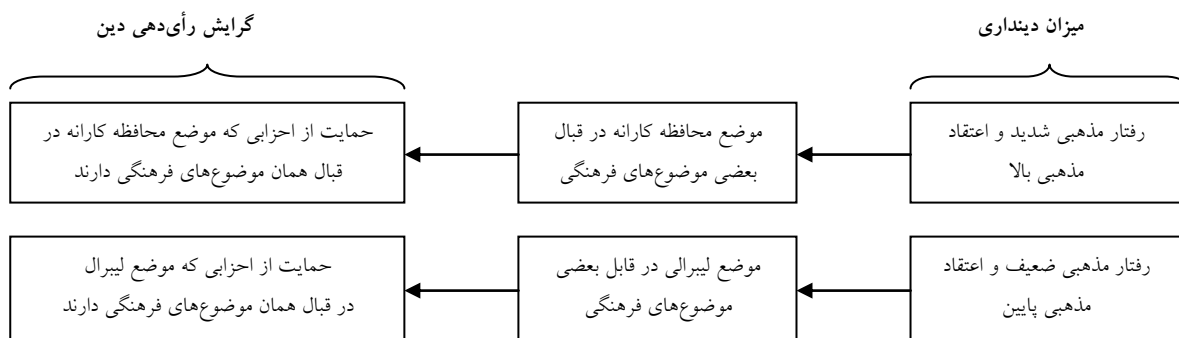
ایدئولوژی‌های سیاسی افراد و هنجارهای گروهی را هدایت می‌کند (مک کنزی، ۲۰۰۴: ۲۶۲). اعمال فعالیت‌های مذهبی، اختلافات سیاسی و فرهنگی را با محور الهیات^۱ ایجاد شده، در درون سنت‌های دینی تقویت می‌کند. افرادی که به اعمال مذهبی سنتی التزام دارند^۲ تمایل به انجام مراسم عبادی، خواندن کتاب مقدس (تورات و انجیل)، التزام به عبادات روزانه - معتقدترین و ملتزم‌ترین پیروان تمامی سنت‌های دینی هستند و در موضوع‌های فرهنگی، همچون: همجنس‌گرایی^۳، پورنوگرافی و سقط جنین مواضع محافظه‌کارانه داشته، به احزابی رأی می‌دهند که در این گونه موضوع‌ها مواضع محافظه‌کارانه‌ای اتخاذ می‌کنند؛ مثلاً حزب جمهوری‌خواه در آمریکا در قبال مسائل فرهنگی یاد شده، مواضع محافظه‌کارانه دارد. این مواضع مشابه به این منجر می‌شود که این افراد تمایل به حمایت از حزب جمهوری‌خواه و کاندیدایش را داشته باشند؛ در حالی که افرادی که کمتر دیندار^۳ هستند، در قبال این گونه موضوع‌های فرهنگی، لیبرال بوده، از احزابی حمایت می‌کنند که در قبال این گونه مسائل موضع لیبرالی دارند. شاهد مثال آن، حزب دموکرات در آمریکاست که این افراد در رقابت‌های انتخاباتی وفاداران متعصب این حزب هستند. در واقع، این نظریه بیانگر این مطلب است که دین‌داری رأی‌دهندگان (رفتارها و اعتقادات مذهبی) اثری مستقل بر گرایش سیاسی و رفتار انتخاباتی آنها دارد برای مثال، در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۰۴ آمریکا، کسانی که اعتقادات مذهبی بالاتری داشته، بیشتر به اعمال مذهبی مقید بودند، به بوش رأی دادند؛ در حالی که کسانی که اعتقادات و رفتارهای دینی ضعیف‌تری داشتند، به کری رأی دادند (گرین، ۲۰۰۷: ۳).

به طور خلاصه، می‌توان گفت که این نظریه به رابطه میزان دین‌داری با گرایش سیاسی افراد می‌پردازد، که آن را در رفتار انتخاباتی خود با رأی دادن و حمایت از کاندیدای مورد

¹ Theologically

² Homosexuality

³ Devout



شکل ۲- روابط بین متغیرها در نظریه جنگ‌های فرهنگی

(طالبان و میرزائی، ۱۳۹۰: ۱۴۲).

تشکیل نظام سرمایه‌داری شده است. از نظر وبر باورهای مذهبی در دوره‌ای خاص علت اصلی در تعیین جهت حرکت جوامع بوده است (آرون، ۱۳۸۲: ۶۰۷).

مطالعه ماکس وبر درک تأثیر ارزش‌ها و باورها بر رفتارهای بشری را به نحوی مثبت و عملی میسر می‌سازد. این مطالعه روشن می‌کند که افکار مذهبی چگونه به عنوان علت مؤثر در جریان تاریخ عمل می‌کنند (همان: ۲۵۵).

از منظر وبر در هر دوره تاریخی یک جنبه از زندگانی انسانی می‌تواند سایر جنبه‌های زندگی او را تحت تأثیر قرار دهد. همچنان که امکان دارد در دوره‌ای خاص جنبه‌های اقتصادی زندگی انسانی، سایر جنبه‌های زندگی از قبیل جنبه‌های دینی یا سیاسی را متأثر سازد، در دوره‌ای دیگر ممکن است عکس وضعیت مذکور اتفاق بیفتد. به نظر می‌رسد همان‌گونه که باورهای دینی در یک دوره تاریخی خاص به عنوان یک متغیر مستقل قوی عمل کرده و ایجاد و رشد سرمایه‌داری در غرب را باعث شده است، به دنبال آن فرهنگ خاصی در حیطه سیاست نیز شکل گرفته است. ارزش‌های آزادی و رقابت موجود در نظام اقتصادی سرمایه‌داری، در نظام سیاسی لیبرال دموکراسی نیز مشاهده می‌شود. به نظر می‌رسد که این باورهای دینی به طور مستقیم و غیرمستقیم از طریق ایجاد یک نظام اقتصادی، به ایجاد نوع خاصی از خرده نظام سیاسی مشتمل بر یک فرهنگ سیاسی ویژه نیز منجر شده است. فرهنگ سیاسی که شاید بتوان آن را

این تئوری شرایط لازم را برای تبیین بخشی از مسأله تحقیق؛ یعنی رابطه میزان دین‌داری با رفتار انتخاباتی در سطح گرایش رأی‌دهی دارد؛ چرا که نمونه تحقیق در درون یک سنت مذهبی (اسلام و اکثریت شیعه) قرار دارد و این نشان‌دهنده نزدیکی تئوری به واقعیت است و از طرفی، براساس مفاهیم موجود در تئوری، قدرت تبیینی بالایی را در تبیین بخش‌های مورد نظر از مسأله دارد.

با تقلیل اختلافات فرهنگی یاد شده (هم‌جنس‌گرایی، پورنوگرافی و ...) بین احزاب، که برگرفته از فرهنگ کشورهای غربی است، زمینه برای طرح این فرضیه آماده می‌شود که کسانی که دارای میزان دین‌داری بیش‌تری هستند نسبت به مسائل و موضوعات فرهنگی - اخلاقی همچون حجاب، روابط دختر و پسر و ... نگرش‌های اخلاقی بسته‌تری دارند و بنابراین به جناح اصول‌گرا با همان چشم‌اندازهای اخلاقی یاد شده نسبت به این گونه مسائل نگاه آزادتری دارند و به جناح اصلاح طلب که در این گونه مسائل آزادتر عمل می‌کنند، رأی می‌دهند.

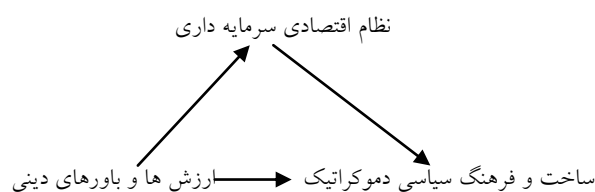
اندیشه‌های ماکس وبر درباره نقش دین و باورهای دینی در یک نظام اجتماعی به عنوان یکی از تحلیل‌های جامعه‌شناختی موفق به شمار می‌رود. آراء و نظریات وبر که بر رابطه باورهای دینی و ایجاد یک نظام اقتصادی تمرکز دارد، بر این فرضیه استوار است که تعبیری معین از مذهب پروتستان (کالوینیسیم) موجب ایجاد انگیزش‌هایی مساعد برای

یک فرهنگ سیاسی دموکراتیک نامید.

فراهم کرده‌اند. قوانین، عادات و رسوم و اعتقاداتی که بدون آنها وجود آزادی ناممکن است علل حقیقی آزادی است که دموکراسی آمریکایی از آن بهره‌مند می‌باشد (همان: ۲۵۹).

مایه بنیادی فکر توکویل این است که شرط استقرار آزادی در تحلیل آخر به عقیده وی همانا رسوم و اعتقادات آدمیان است، و عامل تعیین کننده رسوم همانا مذهب است. به نظر توکویل جامعه آمریکایی جامعه‌ای است که توانسته است روح مذهب را با روح آزادی تلفیق کند. به عقیده توکویل اگر قرار باشد یگانه علتی که بقای آزادی در آمریکا را محتمل و آینده آزادی در فرانسه را ناپایدار می‌سازد، بیابیم به این نتیجه خواهیم رسید که جامعه آمریکایی به سبب تلفیق روح مذهب با روح آزادی به حفظ آزادی توفیق یافته است و حال آنکه در جامعه فرانسه، کلیسا با دموکراسی، مذهب با آزادی در مخالفت است. در فرانسه، تنازع روح تجدد با روح کلیسا علت نهایی دشواری‌هایی است که دموکراسی را از لیبرال شدن باز می‌داند و در آمریکا برعکس پیوند نزدیک روح مذهب و روح آزادی است که بنیاد نهایی جامعه آمریکایی را تشکیل می‌دهد (همان: ۲۶).

بنابراین توکویل از جمله اندیشمندانی است که آرای وی درباره رابطه مذهب و سیاست حائز اهمیت است. براساس نظر توکویل دین‌داران می‌توانند دارای یک فرهنگ دموکراتیک باشند و یا برعکس در برابر آن مقاومت کنند. وی با بررسی دو نظام اجتماعی در آمریکا و فرانسه نشان می‌دهد که چگونه روحیه دینی در آمریکا موفق به ایجاد یک نظام و فرهنگ سیاسی دموکراتیک شده است و چگونه این روحیه دینی در فرانسه در راه شکل‌گیری یک نظام و فرهنگ سیاسی دموکراتیک مانع ایجاد کرده است.



شکل ۳- تأثیر مستقیم و غیرمستقیم ارزش‌ها و باورهای دینی در ایجاد فرهنگ سیاسی دموکراتیک

به عقیده الکسی دو توکویل، دموکراسی همانا برابرکردن شرایط است. آن جامعه‌ای دموکراتیک است که تمایزهای ناشی از سلک‌ها و طبقات در آن دیگر وجود ندارد و تمامی افراد اجتماع از لحاظ اجتماعی برابر هستند و این برابری البته به معنای برابری از لحاظ فکری و اقتصادی نیست که به نظر توکویل امری ناممکن است. برابری یا مساوات اجتماعی بدین معناست که تفاوت‌های موروثی از لحاظ شرایط اجتماعی وجود نداشته باشد و همه اشتغالات، مشاغل، مناصب و افتخارات در دسترس همگان باشد. پس در مفهوم دموکراسی هم فکر برابری اجتماعی و هم گرایش به یک شکل بودن شیوه‌ها و سطوح زندگی وجود دارد. بنابراین حکومت منطبق با جامعه‌ای مساوات طلب^۱ همان حکومتی است که توکویل آن را حکومت دموکراتیک نام می‌نهد (آرون، ۱۳۸۲: ۲۵۴-۲۵۲).

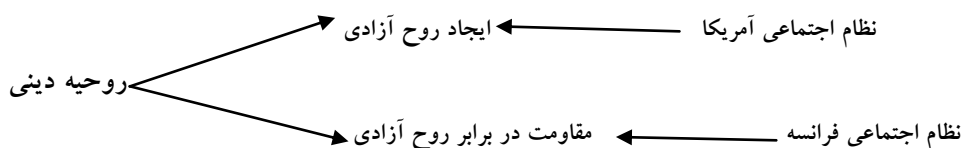
توکویل در جلد اول کتاب خود با عنوان *دموکراسی در آمریکا*^۲ علل لیبرال بودن دموکراسی آمریکایی را چنین بر می‌شمارد: ۱- وضعیت اتفاقی و خاصی که جامعه آمریکایی در آن قرار دارد، ۲- قوانین؛ ۳- عادات^۳ و رسوم^۴. توکویل سلسله مراتبی بین این سه قسم علت برقرار می‌کند: وضعیت جغرافیایی و تاریخی کمتر از قوانین و قوانین کمتر از عادات، رسوم و مذهب تأثیرگذار هستند. به نظر توکویل، شرایط جغرافیایی و تاریخی تنها محیط مساعدی

^۱ Egalitaire

^۲ Democratic en Amerique

^۳ Habitudes

^۴ Mocurs



شکل ۴- توان بالقوه روح دینی در ایجاد آزادی یا مقاومت در برابر آن در جوامع مختلف

می‌دهد. روحانیون به ارزش‌های اخلاقی سنتی در رأی دادن تأکید دارند و این منجر به این می‌شود که کسانی که دین‌داری انجمنی دارند و یا به عبارت دیگر، به طور مرتب با کلیسا ارتباط دارند، تحت تأثیر این رهنمودها، حمایت‌کننده احزاب محافظه‌کاری چون حزب جمهوری خواه باشند که به حفظ ارزش‌های اخلاقی و سنتی اهمیت می‌دهد و یا موضع محافظه‌کار آن‌ها را در قبال این گونه مسائل اتخاذ می‌کند. دینداران جماعتی که از رهنمودها و راهنمایی‌های اخلاقی-سنتی روحانیون در رأی دادن به دور هستند، معتقد به آزادی بیشتر در اخلاقیات هستند. تعاملات اجتماعی دینداران جماعتی با همکیشان خود، بیشتر، به برجسته شدن جاذبه‌های مساوات‌طلبی احزاب لیبرال در حقوق انسان‌ها، از جمله طبقه و پایگاه اجتماعی منجر می‌شود که موضوع‌های غیردینی تا جاذبه‌ها و ارزش‌های اخلاقی سنتی مورد تأکید احزاب محافظه‌کار و کلیساروندگان هستند (دینداران انجمنی) (طالبان و میرزائی، ۱۳۹۰: ۱۴۳).

لنسکی در بخشی از اثر خود با عنوان «میزان مشارکت رأی‌دهی و دین‌داری انجمنی» بین این دو نوع دین‌داری و میزان مشارکت در انتخابات رابطه برقرار می‌کند. وی می‌گوید کسانی که به طور مرتب در فعالیت‌های کلیسایی شرکت می‌کنند، بیشتر از کسانی که کمتر به کلیسا می‌روند، در انتخابات شرکت کرده و رأی می‌دهند.

بنابراین، از نظر توکویل دین‌داری لزوماً به نوع خاصی از فرهنگ سیاسی منجر نمی‌گردد، بلکه بیشتر مربوط به تطابق با دیدگاه و تفسیرهای حاکم در یک جامعه، یا ایستادگی در برابر آن می‌شود. دین به طور بالقوه می‌تواند در هر دو جهت، به ایجاد روحیه‌های متفاوت در جوامع دست زند.

از سویی دیگر، براساس نظریات و تحقیقات انجام شده توسط لنسکی^۱ (۱۹۶۳) دو نوع دین‌داری انجمنی^۲ و دین‌داری جماعتی^۳ به دو نوع رأی‌دهی و میزان مشارکت انتخاباتی متفاوت منجر می‌شوند. وی دین‌داری انجمنی را با میزان مشارکت و حضور در برنامه‌ها و فعالیت‌های دینی رسمی و نهادینه شده (مناسک، نیایش و ...) که تماماً مرتبط به کلیسا و یا درگیری کلیسایی^۴ است، می‌سنجد. همچنین، دین‌داری جماعتی را با میزان پیوندهای دوستانه و صمیمی با همکیشان در خانواده، دوستان، خویشاوندان و همسایگان و به عبارت دیگر، با کسانی که در میراث فرهنگی و دینی مشترکی سهیم هستند؛ مورد سنجش قرار می‌دهد.

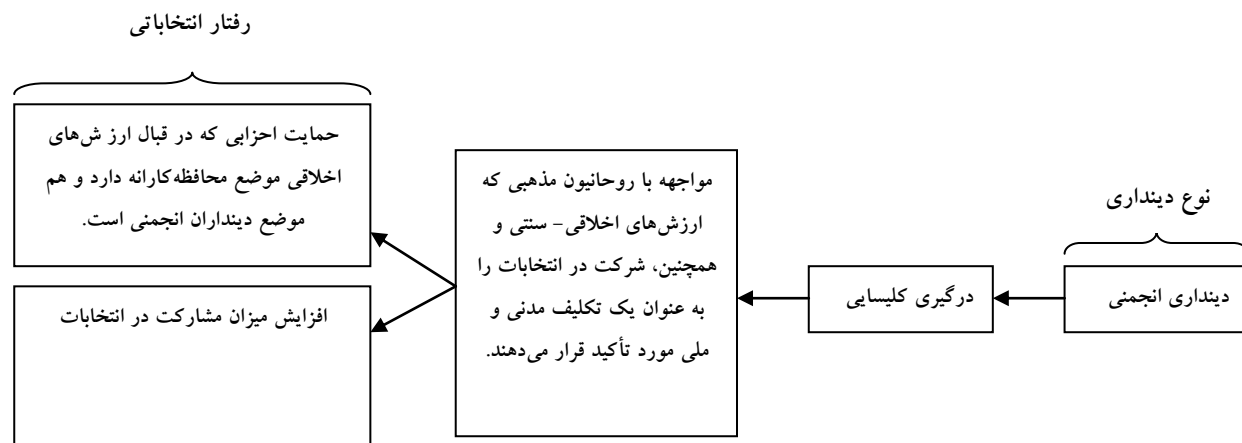
نکته قابل توجه در تمایز بین این دو نوع دین‌داری، وجود درگیری کلیسایی در بین دین‌داری انجمنی و عدم آن در دین‌داری جماعتی است. همین نکته منشأ تفاوت در رفتارهای سیاسی این دو گونه دین‌داری است. به اعتقاد لنسکی این دو نوع دین‌داری مسیحیان را تحت تأثیر رهنمودهای سیاسی مختلف قرار می‌دهد. فعالیت‌های کلیسایی به طور آشکار، مواجهه و ارتباط با روحانیون را افزایش

¹ Lenski

² Associational Religiously

³ Communal Religiously

⁴ Church Involvement

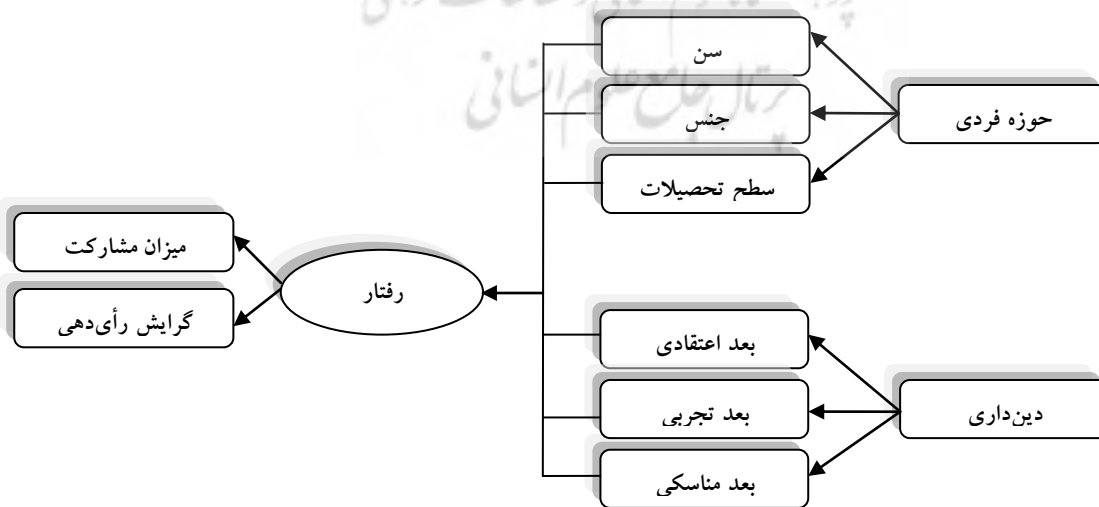


شکل ۵- روابط بین متغیرها در نظریه لنسکی

(طالبان و میرزائی، ۱۳۹۰: ۱۴۴-۱۴۵).

افزایش دهد، از عوامل اصلی ورود به انتخابات برای مؤمنان و متدینان است، چون مشارکت در انتخابات در واقع نه حمایت از حزب، بلکه حمایت از استمرار و تداوم رژیم سیاسی حاکم است که مدیریت و امور آن به دست افراد مذهبی یا دینداران است. نباید فراموش کرد که در ایران نیز چون رژیم سیاسی «دینی» است، می‌توان این فرضیه را مطرح کرد که هرچه میزان دین‌داری بالاتر باشد، میزان مشارکت انتخاباتی بیشتر است. عکس این مطالب در رابطه با رژیم‌های سیاسی غیردینی صدق می‌کند. بنابراین، می‌توان گفت تلاش‌هایی با این مدعا و استدلال گفته شده، فرضیه مذکور را تقویت می‌کند. براساس مطالب فوق‌الذکر، شکل (۶) مدل تحقیق را ارائه می‌کند.

هرچند که نتایج تحقیقات یاد شده، در حقیقت رابطه نوع دین‌داری و میزان مشارکت را نشان می‌دهد؛ اما باید توجه داشت که مدعای تبیینی تمامی آنها اثر مثبت میزان دین‌داری بر میزان مشارکت در انتخابات است. استدلال محققان هم بر این مدعا به این شرح است که باید در نظر داشت که از «نوع رژیم سیاسی» در جامعه آماری مورد تحقیق نباید غفلت نمود. در کشورهایی که رژیم سیاسی «دینی» است و افراد مذهبی زمام امور را در دست دارند، مذهبی و دیندار بودن مشارکت‌کنندگان، جدایی از غیر دینی/سکولار و دینی بودن کاندیدها و احزاب که خود این عامل هم می‌تواند میزان مشارکت را در بین پیروان این دو (سکولارها و مذهبی‌ها)



شکل ۶- مدل تجربی تحقیق

فرضیات تحقیق

بین متغیرهای جمعیتی و زمینه‌ای و رفتار انتخاباتی شهروندان رابطه وجود دارد.

بین دینداری (باورهای دینی افراد) و رفتار انتخاباتی شهروندان رابطه وجود دارد.

بین ابعاد دین‌داری (باورهای دینی افراد) و مشارکت شهروندان در انتخابات رابطه وجود دارد.

بین ابعاد دین‌داری (باورهای دینی افراد) و گرایش رأی‌دهی شهروندان در انتخابات رابطه وجود دارد.

روش تحقیق

رفتار انتخاباتی در این تحقیق اعمال ترجیحات سیاسی رأی‌دهندگان است و اولین گام آن مشارکت یا عدم مشارکت در انتخابات است. این تعریف، تعریفی ترکیبی است و نسبت به مفاهیم سیاسی دیگر، دارای جامعیت و دقت لازم در تمیز مفهومی رفتار انتخاباتی است؛ زیرا هم به عنصر انتخاب (گرایش) و هم به میزان شرکت در انتخابات توجه دارد. وجه اشتراک تعریف ما از رفتار انتخاباتی و مشارکت سیاسی در رأی دادن است. رفتار انتخاباتی حداقل به صورت رأی دادن (مشارکت در انتخابات)، یکی از سطوح مشارکت سیاسی است که راش نیز آن را از پایین‌ترین سطوح مشارکت سیاسی می‌داند: «سطحی که نیازمند کمترین تعهد است؛ زیرا به محض اینکه رأی به صندوق انداخته شد، ممکن است به پایان برسد» (راش، ۱۳۷۷: ۱۲۹).

در تعریف دین‌داری (متغیر مستقل) می‌توان گفت: دینداری میزان تأثیر و تجلی کم یا زیاد دین در ذهن، روان و رفتار فرد است و دارای ابعاد پنجگانه معتقد بودن، مؤمن بودن، اهل عبادت بودن، اخلاقی عمل کردن و متشرع بودن است (شجاعی‌زند، ۱۳۸۴: ۵۳). از بین مدل‌های دینداری، برای تعریف دینداری از مدل گلاک و استارک (۱۹۷۰ و ۱۹۶۵) به عنوان پرکاربردترین مدل غربی در تحقیقات دانشگاهی و در نهایت،

سه بعد اعتقادی، تجربی و مناسکی استفاده شده است.

پژوهش حاضر، نوعی بررسی مقطعی^۱ و تبیینی^۲ است. در این تحقیق به دلیل نیازمندی به نظرهای پاسخگویان، نوع بررسی پیمایشی با استفاده از پرسشنامه به سایر روش‌ها ترجیح داده شد. همچنین، پژوهش حاضر از نظر هدف، یک بررسی کاربردی^۳ و از نظر وسعت پهنانگر^۴ است. جامعه آماری این پژوهش، شهروندان بالای ۱۸ سال شهر اصفهان هستند که در مناطق چهارده‌گانه شهر اصفهان سکونت دارند که طبق آخرین آمار با مراجعه به دفتر مطالعات و آمار شهرداری مرکزی اصفهان تعداد آنها ۱۳۴۸۷۱۷ نفر است.^۵ حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران محاسبه گردید که در آن دقت برآورد $d=0,05$ و P و پراکندگی براساس بیشترین میزان پراکندگی یکی از ابعاد در مطالعه مقدماتی با نمونه ۳۰ موردی، بر مبنای ۵۰٪ به ۵۰٪ انتخاب شدند. براین اساس و با سطح اطمینان ۹۵٪ نمونه‌ای به تعداد ۳۸۴ نفر انتخاب شدند. همچنین، واحد تحلیل پژوهش حاضر، فرد و قلمرو زمانی تحقیق، شش ماهه اول سال ۱۳۹۱ می‌باشد. روش نمونه‌گیری در این پژوهش سهمیه‌ای بوده است. پژوهش حاضر با توجه به نظر اساتید راهنما و با استفاده از روش نمونه‌گیری سهمیه‌ای اجرا و متغیرهای منطقه سکونت، سن و جنس به عنوان شاخص‌های طبقه‌بندی به کار رفتند. توزیع جمعیت برحسب حجم نمونه در ابعاد کوچکتر بازسازی شد و بعد از تقسیم تعداد افراد در هر واحد جمعیتی بر کل جمعیت، عدد به‌دست آمده را در تعداد نمونه ضرب کردیم تا به هر واحد جمعیتی تعداد مشخصی اختصاص یابد. سپس ۳۸۴ پرسشنامه به این روش بین پاسخگویان توزیع شد. در تدوین پرسشنامه، غالباً از شاخص‌های استفاده شده در

^۱ Cross sectional

^۲ Explaining

^۳ Applied

^۴ Extensive

^۵ شایان ذکر است که در سال ۱۳۹۱ هنگام جمع‌آوری داده‌ها به جمعیت هر کدام از مناطق به طور جداگانه نیاز داشتیم و این آمار به صورت تفکیکی (منطقه سکونت، سن و جنس) در دسترس نبود، بنابراین، به ناچار مبنای نمونه‌گیری را براساس توزیع جمعیتی موجود براساس سرشماری سال ۱۳۸۹ لحاظ نمودیم (مؤلفان).

انتخابات است، نوع انتخابات و یا دوره انتخاباتی خاص اهمیتی ندارد؛ بلکه نویسندگان به دنبال شناخت رفتار انتخاباتی کلی فرد در دوره‌های انتخاباتی مختلف هستند و مهم نیست که این رفتار در کدام دوره و چه نوع انتخاباتی بوده است؛ اما برای اینکه میزان مشارکت افراد از واریانس بیشتری برخوردار باشد، هر انتخاباتی (ریاست جمهوری، مجلس، شورای شهر و خبرگان) به صورت جداگانه آزمون می‌شود. بنابراین، در تعریف عملیاتی میزان مشارکت در انتخابات از سه (۳) گویه در قالب طیف لیکرت استفاده شده است. برای نمونه، شکل گویه‌ها به این نحو بود: تا چه میزان شرکت در انتخابات را یک وظیفه شرعی و اجتماعی می‌دانید و در آن شرکت می‌کنید؟ جواب‌های «همیشه و اکثر مواقع»، مشارکت بالا، «برخی» مشارکت متوسط و «به ندرت و اصلاً» مشارکت پایین ارزیابی شده است.

منظور از مفهوم «گرایش رأی‌دهی» این است که آیا فرد در انتخابات با توجه به کاندیداهای حزب یا جناح سیاسی رأی می‌دهد. منظور از احزاب نیز دو جناح سیاسی اصول‌گرا و اصلاح‌طلب است. بنابراین، در تعریف عملیاتی گرایش رأی‌دهی در انتخابات از ده (۱۰) گویه در قالب طیف لیکرت استفاده شده است، که پاسخگویان باید یک پاسخ از میان پنج (۵) پاسخ (خیلی کم (۱)، کم (۲)، تاحدودی (۳)، زیاد (۴) و خیلی زیاد (۵)) را انتخاب کنند. (سطح سنجش فاصله‌ای)؛ برای مثال، از گویه «تا چه میزان جناح‌بندی‌های سیاسی کاندیدا در رأی دادن شما نقش داشته است؟» و یا «وابستگی کاندیدا به جناح راست/چپ تا چه میزان در انتخاب کاندیدای مورد نظر شما نقش داشته است؟» و ... استفاده شده است.

تحقیقات پیشین بهره گرفته شده است؛ به این صورت که به گزینش معتبرترین شاخص‌های گردآوری شده از بین شاخص‌های موجود در پرسشنامه‌های آزمون شده قبلی، اقدام شده است و برای حصول روایی^۱ قابل قبول، ماده‌های مربوط در اختیار صاحب‌نظران جامعه‌شناس قرار گرفته و پس از داوری ایشان و حصول روایی محتوایی، در این تحقیق به کار بسته شده است. برای اطمینان از پایایی^۲ ابزار تحقیق، از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است. ضرایب آلفای کرونباخ برای متغیرهای مستقلی که در سطح سنجش فاصله‌ای قرار داشتند و متغیر وابسته (به طور کلی و به تفکیک ابعاد) در جدول زیر قید شده است.

جدول ۱- ضرایب آلفای کرونباخ محاسبه شده برای پایایی متغیرها

نام متغیر	ضریب آلفای کرونباخ
رفتار انتخاباتی	۰/۷۶
بعد اعتقادی	۰/۹۴
بعد تجربی	۰/۸۳
بعد مناسکی	۰/۸۴
دین‌داری (مجموع ابعاد سه گانه)	۰/۸۹

تعریف مفاهیم و عملیاتی نمودن متغیرهای تحقیق

متغیر وابسته (رفتار انتخاباتی)

در این تحقیق، متغیر وابسته رفتار انتخاباتی در دو سطح و یا با دو شاخص «میزان مشارکت» و «گرایش رأی‌دهی» سنجیده خواهد شد. هرکدام از این شاخص‌ها به عنوان یک متغیر وابسته در چارچوب نظری و فرضیه‌ها مطرح شده است؛ هرچند که تمام وجوه رفتار انتخاباتی را نمی‌سنجند. در ادامه، هریک به صورت جداگانه تعریف می‌شوند.

منظور از «میزان مشارکت در انتخابات» شرکت کردن فرد در انتخابات با رأی دادن است. توجه به اینکه از اهداف اصلی تحقیق، فقط بررسی رابطه میزان دینداری با میزان مشارکت در

¹ Validity

² Reliability

جدول ۲- گویه‌های مربوط به سنجش «میزان مشارکت در انتخابات»

ردیف	گویه‌ها
۱	تا چه میزان شرکت در انتخابات را یک وظیفه شرعی و اجتماعی می‌دانید و در آن شرکت می‌کنید؟
۲	تا چه میزان لحاظ نمودن منافع اقتصادی و یا به دست آوردن مقام سیاسی و اداری برای شخص خودتان در مشارکت در انتخابات نقش داشته است؟
۳	تا چه میزان کسب اطلاعاتی در مورد عقاید کاندیداها و موضوع‌های سیاسی قبل از رأی دادن در مشارکت در انتخابات نقش داشته است؟

جدول ۳- گویه‌های مربوط به سنجش «گرایش رأی‌دهی»

ردیف	گویه‌ها
۱	تا چه میزان شما در انتخابات با توجه به جناح سیاسی خود رأی می‌دهید؟*
۲	تا چه میزان جناح بندی‌های سیاسی کاندیدا در رأی دادن شما نقش داشته است؟
۳	سید یا روحانی بودن کاندید، تا چه میزان در انتخاب رهبران سیاسی مورد نظر شما نقش داشته است؟
۴	وابستگی کاندیدا به جناح راست/چپ تا چه میزان در انتخاب کاندیدای مورد نظر شما نقش داشته است؟
۵	تا چه حد فشارها و یا احياناً ترس از سرزنش‌های مردمی در مشارکت در انتخابات نقش داشته است؟
۶	هم‌پایگاهی با کاندیدا، تا چه میزان در انتخاب کاندیدای مورد نظر شما نقش داشته است؟
۷	تا چه میزان با کاندیدا و نماینده شدن زنان به عنوان رهبران سیاسی موافق هستید؟
۸	تا چه میزان برنامه‌های ارائه شده به وسیله کاندیدا در انتخاب کاندیدای مورد نظر شما نقش داشته است؟
۹	تا چه میزان تبلیغات و سخنرانی کاندیدا در رسانه ملی در انتخاب کاندیدای مورد نظر شما نقش داشته است؟
۱۰	تا چه میزان تبلیغات دوستان/ همکاران/ همکاسی‌هایتان در انتخاب کاندیدای مورد نظر شما نقش داشته است؟

*در تعریف عملیاتی مفهوم گرایش رأی‌دهی از گویه «شما در انتخابات به کدام جناح رأی می‌دهید» استفاده شده است که دارای پنج جواب اصول گرا، اصلاح طلب و هیچکدام بود. تحقیقات پیشین از جمله بوش، 1988: 7-126؛ کوتلر و برکویتز، 2001: 535 و کیم، 2006: 2434 از چنین سنجش رفتار انتخاباتی (گرایش رأی‌دهی) استفاده کرده‌اند.

متغیرهای مستقل

حوزوی عملیاتی شده است (سطح سنجش ترتیبی).

- در این تحقیق متغیرهای مستقل عبارتند از: سن، جنسیت، تحصیلات، پایگاه اقتصادی- اجتماعی و دینداری.
- سن: به‌وسیله یک سؤال باز از سن افراد عملیاتی شده است. تعداد سال‌های سپری شده عمر فرد است (سطح سنجش فاصله‌ای).
 - جنسیت: با سؤال از جنسیت در قالب مرد یا زن (مذکر / مؤنث) بودن عملیاتی شده است (سطح سنجش اسمی).
 - تحصیلات: شامل وضعیت تحصیلی پاس‌خگویان و والدین (در صورت تأهل تحصیلات فرد و همسرش)، در دوازده سطح بی‌سواد، خواندن و نوشتن، ابتدایی، نهضت سوادآموزی، راهنمایی (سیکل)، متوسطه (دیپلم ناقص)، دیپلم (پیش دانشگاهی)، فوق‌دیپلم، لیسانس، فوق‌لیسانس، دکتری و
۴. دینداری: مراد از دینداری التزام فرد به دین مورد قبول خویش است. این التزام در مجموعه‌ای از احساسات و اعمال فردی و جمعی که حول خداوند و رابطه ایمانی با او دور می‌زند، سامان می‌پذیرد (طالبان، ۱۳۸۰: ۱۰). به عبارت دیگر، دینداری، میزان علاقه و احترام فرد به دین است (سراج‌زاده، ۱۳۸۳: ۱۶۶). تعریف عملیاتی دینداری در این تحقیق براساس مدل «گلاک و استارک» است. گلاک و استارک معتقدند که با وجود تفاوت‌هایی در ادیان، می‌توان وجوه مشترکی را بین آن‌ها یافت. این وجوه یا عرصه‌ها در حقیقت ابعاد دینداری را تشکیل می‌دهند که عبارتند از: ابعاد اعتقادی، تجربی، پیامدی، مناسکی و فکری یا باور دینی.
- ۱- بعد اعتقادی یا باورهای دینی که عبارتند از: باورها و

- نگرش‌هایی که انتظار می‌رود پیروان هر دین به آنها اعتقاد داشته باشند؛ همانند: اعتقاد به خدا، دوزخ و
- ۲- بعد تجربی یا عاطفی که ناظر به عواطف، تصورات و احساسات مربوط به داشتن رابطه با جوهر ربوبی است.
- ۳- بعد پیامدی یا آثار دینی که ناظر به اثرهای باورها، اعمال، تجارب و دانش دینی، بر زندگی روزمره پیروان است.
- ۴- بعد مناسکی شامل اعمال دینی مشخصی، همچون: عبادت، نماز و ... است که انتظار می‌رود پیروان هر دین آنها را به جا بیاورند.
- ۵- بعد فکری یا دانش دینی که مشتمل بر اطلاعات و دانسته‌های مبنایی در مورد معتقدات هر دین است.
- پژوهش حاضر سه بعد اعتقادی، مناسکی و تجربی از کل مدل گلاک و استارک به استثنای بعد پیامدی و فکری را، به عنوان ابعاد دینداری در نظر می‌گیرد؛ زیرا منظور از دینداری را در این تحقیق برآورده می‌سازد. همچنین، پاسخگویان باید یک پاسخ از میان پنج (۵) پاسخ (کاملاً مخالف (۰)، مخالف (۱)، بی‌نظر (۳)، موافق (۴) و کاملاً موافق (۵)) را انتخاب کنند (سطح سنجش فاصله‌ای).

جدول ۴- گویه‌های مربوط به سنجش دین‌داری

ابعاد دین‌داری	گویه‌ها
بعد اعتقادی	بهشت و جهنم واقعیت دارد. خداوند وجود ندارد و نباید به آن اعتقاد داشت. من مطمئن هستم که فرشتگان واقعاً وجود دارند. هر کس نتیجه اعمال خود را در آینده می‌بیند. تمامی آیات قرآن حقایقی مسلم نیستند. به پیامبری حضرت محمد (ص) به عنوان آخرین پیامبر اعتقاد دارم. چون شخصی آن دنیا را ندیده، نباید نقد دنیا را به نسیه آخرت بخشید. اسلام همیشه در زندگی انسان‌ها به عنوان کامل‌ترین دین حاضر است. از انجام ندادن بعضی از فرایض دینی احساس گناه می‌کنم. از رابطه خود با خدا احساس لذت نمی‌کنم. گاهی احساس ترس از مرگ تمام وجودم را فرا می‌گیرد. هنگام شرکت در عبادات جمعی احساس معنوی عمیقی نمی‌کنم. بدون اعتقادات دینی احساس می‌کنم زندگی‌ام بی‌هدف و پوچ نیست. در لحظات حساس زندگی‌ام احساس نزدیکی زیادی به خدا می‌کنم. گاهی احساس ترس از خدا به من دست نمی‌دهد. با رفتن به حرم یکی از ائمه احساس لذت نمی‌کنم. نمازهای یومیه خود را به طور مرتب و کامل می‌خوانم. با مساجد یا هر مؤسسه اسلامی دیگر همکاری دارم. در جلسات دعا (کمیل، عاشورا، ندبه و توسل و ...) شرکت نمی‌کنم. در ماه رمضان (چنانچه مریض یا مسافر نباشم) روزه می‌گیرم. برای ادای نماز جماعت به مسجد نمی‌روم و به نظرم ضرورتی برای انجام فرائض دینی وجود ندارد. در جلسات روخوانی قرآن شرکت می‌کنم.
بعد مناسکی	در روزها و ماه‌های خاص (رجب، شعبان) روزه مستحبی می‌گیرم. احترام به بزرگترها برایم حائز اهمیت است و به آنها کمک می‌کنم. در صورت نیاز کسی به وسیله‌ای، آن را به وی امانت می‌دهم. معمولاً در مراسمی که به مناسبت‌های مذهبی برگزار می‌شود، شرکت می‌کنم.
بعد تجربی	

یافته‌های پژوهش

اطلاعات توصیفی

براساس خلاصه اطلاعات توزیع فراوانی مشخصات جمعیت‌شناسی نمونه‌های آماری جدول (۵)، می‌توان گفت که حدود ۲۲۸ نفر معادل (۵۹/۳ درصد) مردان و ۱۵۷ نفر معادل (۴۰/۷ درصد) از پاسخگویان را زنان تشکیل داده‌اند و بیش از نیمی از پاسخگویان در گروه سنی ۲۸-۳۲ سال قرار داشته‌اند.

اکثریت نسبی افراد معادل ۲۲۸ نفر (۵۹/۳ درصد) مجرد و پس از آنها و به لحاظ فراوانی حداقل نسبی افراد معادل ۱۲۰ نفر (۳۱/۳ درصد) متأهل در رتبه بعدی قرار دارند. از کل نمونه پاسخگویان ۱۲۹ نفر معادل (۳۳/۵ درصد) بیشترین فراوانی متعلق به سطح تحصیلات کارشناسی و ۷ نفر معادل (۰/۲ درصد) کمترین فراوانی متعلق به سطح تحصیلات دکتری بوده است.

جدول ۵- توزیع فراوانی مشخصات جمعیت‌شناسی نمونه‌های آماری

ردیف	متغیر	حداقل	حداکثر	شاخص‌های مرکزی	
				میانه	میانگین
۱	سن	۱۸	۶۵	۳۶	۲۷/۶۷
۲	جنسیت	۱. زن	۲. مرد	-	-
۳	وضعیت تأهل	۱. مجرد	۲. متأهل	-	-
۴	مقطع تحصیلی	۱. بیسواد	۱۱. دکتری	کارشناسی (۳۳/۵)	کارشناسی -

جدول (۶) بیانگر توزیع فراوانی نمره میانگین پاسخگویان بر حسب ابعاد رفتار انتخاباتی (بعد میزان مشارکت و گرایش رأی‌دهی) است. بیشترین نمره میانگین (۳/۵۷) مربوط به بعد میزان مشارکت است و کمترین نمره میانگین (۲/۶۷) مربوط به بعد گرایش رأی‌دهی است؛ بدین معنا که شهروندان شهر اصفهان بیشترین رفتار انتخاباتی را به لحاظ میزان مشارکت و کمترین بعد آن را به لحاظ گرایش رأی‌دهی دارا هستند.

جدول (۷) بیانگر توزیع فراوانی نمره میانگین پاسخگویان بر حسب ابعاد دین‌داری (بعد اعتقادی، تجربی و مناسکی) است. بیشترین نمره میانگین (۳/۴۱) مربوط به بعد اعتقادی است و کمترین نمره میانگین (۲/۷۶) مربوط به بعد مناسکی است؛ بدین معنا که شهروندان شهر اصفهان بیشترین میزان دین‌داری را به لحاظ اعتقادی و کمترین بعد آن را به لحاظ مناسکی دارا هستند. همچنین، بُعد تجربی با (۲/۸۴) بعد از بُعد اعتقادی در رتبه دوم قرار دارد.

جدول ۶- توزیع فراوانی نمره میانگین پاسخگویان بر حسب ابعاد رفتار

انتخاباتی

	میزان مشارکت	گرایش رأی‌دهی
میانگین	۳/۵۷۳۸	۲/۶۷۲۱
انحراف از میانگین	۰/۷۲۹۴	۰/۵۱۰۰
میانه	۳/۵۱۰۴	۲/۶۳۵۸
مد	۲/۴۹	۱/۷۲
انحراف معیار	۰/۹۲۸۴۸	۰/۸۸۲۵۳
واریانس	۰/۸۶۵۸۴	۰/۷۴۱۸۷

جدول ۷- توزیع فراوانی نمره میانگین پاسخگویان بر حسب ابعاد

دین‌داری

	بُعد اعتقادی	بُعد تجربی	بُعد مناسکی
میانگین	۳/۴۱۰۴	۲/۸۴۳۸	۲/۷۶۵۲
انحراف از میانگین	۰/۵۵۳۷	۰/۵۷۲۴	۰/۴۷۵۸
میانه	۳/۴۴۰۷	۲/۷۰۲۲	۲/۷۵۱۲
مد	۲/۲۹	۲/۸۳	۴
انحراف معیار	۱/۰۸۴۹۵	۱/۱۲۱۶۸	۰/۹۲۶۵۵
واریانس	۱/۱۷۷۱۲	۱/۲۵۸۱۶	۰/۸۵۸۴۹

آمار استنباطی

بررسی روابط میان متغیرها

نتایج آزمون‌های تحلیل واریانس در جدول (۸) نشان می‌دهد که تفاوت رفتار انتخاباتی (میزان و گرایش) بر حسب گروه‌های سنی در سطح ۰/۰۰۱ معنادار است. از آزمون تعقیبی

توکی برای بررسی این تفاوت در نگرش پاسخ‌دهندگان استفاده گردید که نشان‌دهنده وجود تفاوت معنادار بین میانگین گروه سنی ۲۷-۲۳ سال با میانگین سایر گروه‌های است. میانگین نمره‌های گروه ۲۷-۲۳ سال از گروه‌های دیگر پایین‌تر است.

جدول ۸- نتایج آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه بین گروه‌های سنی و رفتار انتخاباتی

عامل	پارامترها	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	کمیت (F)	سطح معناداری (sig)	آزمون فرضیه
گروه‌های سنی	۱۸-۲۲ سال	۲۳	۲/۷۰۳۷	۰/۶۴۱۸۳	۴/۱۸۵	۰/۰۰۱	تأیید فرضیه
	۲۳-۲۷ سال	۴۷	۲/۵۳۰۴	۰/۶۳۴۷۸			
	۲۸-۳۲ سال	۷۶	۲/۷۵۳۴	۰/۶۶۹۱۷			
	۳۳-۳۷ سال	۴۳	۲/۷۸۹۲	۰/۶۸۵۳۰			
	۳۸-۴۲ سال	۴۷	۲/۸۲۴۹	۰/۶۸۰۰۳			
	۴۳-۴۷ سال	۴۷	۲/۹۰۳۷	۰/۵۸۲۸۱			
	۴۸-۵۲ سال	۳۸	۲/۹۲۱۱	۰/۶۴۴۸۳			
	۵۳-۵۷ سال	۳۱	۳/۰۸۱۷	۰/۶۱۱۲۶			
	۵۸-۶۲ سال	۱۳	۰/۰۴۵۹	۰/۷۳۵۸۷			
۶۳ سال و بیشتر	۱۹	۰/۰۲۱۸	۰/۷۴۹۲۵				

برای آزمون تفاوت میانگین رفتار انتخاباتی بر حسب جنس از آزمون دو نمونه‌ای مستقل استفاده شد. نتایج به دست آمده از این آزمون ($p=0/017$; $t=-2/137$) بیانگر وجود تفاوت معنادار بین میانگین رفتار انتخاباتی زنان و مردان است و یا مقایسه میانگین‌ها در بین دو گروه (زنان با میانگین = $2/9502$ و مردان با میانگین = $2/8153$) رفتار انتخاباتی کمتری را در بین مردان نسبت به زنان مشاهده

می‌کنیم. البته، شایان ذکر است که میانگین این دو گروه بسیار ناچیز است و می‌توان گفت که رفتار انتخاباتی اگر چه بین مردان و زنان متفاوت است؛ اما این شدت بسیار کم است. در صورتی که براساس چارچوب نظری و تئوری‌های مرتبط با آن انتظار بر آن بود که این رابطه معکوس گردد؛ لیکن با توجه به سطح معناداری و همین‌طور تفاوت میانگین‌ها می‌توان آن را با احتیاط پذیرفت.

جدول ۹- آمار توصیفی آزمون (t-test) برای تفاوت میانگین رفتار انتخاباتی بر حسب جنس

جنس	تعداد	میانگین	انحراف معیار	انحراف میانگین
مرد	۲۲۸	۲/۸۱۵۳	۰/۶۲۸۸۵	۰/۰۴۶۸۷
زن	۱۵۷	۲/۹۵۰۲	۰/۶۰۳۳۸	۰/۰۴۲۲۵

جدول ۱۰- نتایج آزمون (t-test) برای تفاوت میانگین رفتار انتخاباتی بر حسب جنس

واریانس	کمیت (t)	درجه آزادی (df)	تفاوت میانگین	سطح معناداری (sig)	آزمون فرضیه
واریانس‌های برابر	-۲/۱۴۳	۳۸۲	-۰/۱۳۴۹	۰/۰۱۷	تأیید فرضیه
واریانس‌های نابرابر	-۲/۱۳۷	۳۷۱/۶۷۲	-۰/۱۳۴۹	۰/۰۱۷	

واریانس درون گروهی و بین گروهی میانگین رفتار انتخاباتی بر حسب تحصیلات متفاوت است.

آزمون تحلیل واریانس جدول (۱۱) در واقع بیانگر تفاوت میانگین رفتار انتخاباتی بر حسب تحصیلات است. با توجه به مقدار ($F=24/489$; $p=0/001$) می‌توان نتیجه گرفت

جدول ۱۱- نتایج آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه بین تحصیلات و رفتار انتخاباتی

واریانس	مجموع مجذورات	درجه آزادی (df)	میانگین مجذورات	کمیت (F)	سطح معناداری (sig)	آزمون فرضیه
بین گروهی	۵۰/۲۴۸	۸	۶/۲۸۱			
درون گروهی	۹۶/۱۸۳	۳۷۵	۰/۲۵۶	۲۴/۴۸۹	۰/۰۰۱	تأیید فرضیه
مجموع	۱۴۶/۴۳۱	۳۸۳	-			

آماري نیز معنی‌دار است. براساس این آماره می‌توان گفت هرچه میزان دینداری (باورهای دینی افراد) در بین افراد یک منطقه (یا شهر) بیشتر باشد، رفتار انتخاباتی بیشتری نیز در بین افراد آن منطقه (یا شهر) مشاهده می‌شود.

همان‌طور که خلاصه نتایج آزمون‌های آماری سنجش رابطه نقش رسانه ملی بر رفتار انتخاباتی با متغیرهای مستقل جمعیتی مورد توجه در تحقیق (جدول ۱۲) نشان می‌دهد، داده‌ها گویای این است که متغیر دین‌داری با رفتار انتخاباتی رابطه مستقیم دارد و این یافته به لحاظ ($p=0/000$; $r=0/87$)

جدول ۱۲- نتایج آزمون پیرسون بین متغیرهای مستقل و رفتار انتخاباتی

متغیر	رفتار انتخاباتی	آزمون فرضیه
دینداری	ضریب همبستگی پیرسون	تأیید فرضیه
	سطح معناداری	

** Correlation is significant at the 0.01 level (2-tailed).

مناسکی دین‌داری ($r=0/47$ *) با بعد گرایش رأی‌دهی رفتار انتخاباتی معنادار و بعد تجربی دین‌داری ($p=0/021$) با بعد گرایش رأی‌دهی رفتار انتخاباتی غیرمعنادار گردید.

با نتایج به دست آمده از ابعاد دو متغیر مذکور می‌توان چنین نتیجه گرفت که بیشترین مقدار تأثیرگذار، بعد اعتقادی دین‌داری با بعد میزان مشارکت رفتار انتخاباتی ($r=0/89$) و در ادامه بعد اعتقادی دین‌داری و بعد گرایش رأی‌دهی رفتار انتخاباتی ($r=0/71$ *)، بعد مناسکی دین‌داری با بعد میزان مشارکت رفتار انتخاباتی ($r=0/58$ **)، بعد مناسکی

برای روشن‌تر شدن رابطه همبستگی بین تمامی ابعاد دین‌داری (بعد اعتقادی، تجربی و مناسکی) و ابعاد رفتار انتخاباتی (میزان مشارکت و گرایش رأی‌دهی) کلیه آنها در یک جدول به طور کامل بیان شده است.

همان‌گونه که در جدول (۱۳) مشاهده می‌شود؛ بعد اعتقادی دین‌داری ($r=0/89$ *)، بعد تجربی دین‌داری ($r=0/33$ *) و بعد مناسکی دین‌داری ($r=0/58$ **) با بعد میزان مشارکت رفتار انتخاباتی معنادار گردید.

بعد اعتقادی دین‌داری ($r=0/71$ *)، و بعد

دین‌داری و بعد گرایش رأی‌دهی رفتار انتخاباتی ($r=0/47(*)$) و بعد تجربی دین‌داری با بعد گرایش رأی‌دهی رفتار انتخاباتی ($r=0/16(**)$) تأثیرگذار بوده است.

جدول ۱۳- نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین ابعاد متغیر نقش دین‌داری و ابعاد رفتار انتخاباتی

متغیر	میزان مشارکت	گرایش رأی‌دهی
بُعد اعتقادی	۰/۸۹ (*)	۰/۷۱
بُعد تجربی	۰/۳۳	۰/۰۰۱
بُعد مناسکی	۰/۵۸ (**)	۰/۰۹۲
-	۰/۰۰۶	۰/۴۷ (*)
تعداد	۳۸۴	۳۸۴

** Correlation is significant at the 0.01 level (2-tailed)

* Correlation is significant at the 0.05 level (2-tailed)

محدودیت تحقیق

از جمله محدودیت‌های تحقیق نمونه‌گیری سهمیه‌ای است. این نوع نمونه‌گیری یکی از تکنیک‌های غیر احتمالی رایج است که هدف آن ارائه نمونه معرف، بدون انتخاب تصادفی افراد است. در این روش سهمیه‌ها به گونه‌ای تعیین می‌شود که نمونه نهایی، معرف خصوصیتی باشد که سهمیه‌بندی براساس آنها انجام گرفته است. برای سهمیه‌بندی باید خصوصیتی را که در پی معرف بودن نمونه برحسب آن هستیم مشخص کرده، سپس توزیع این متغیر را در جمعیت پیدا کنیم و مطابق آن توزیع، سهمیه‌بندی کنیم. هرچند شیوه‌های نمونه‌گیری احتمالی نظیر نمونه‌گیری تصادفی ساده، سیستماتیک و طبقه‌ای نسبت به شیوه سهمیه‌ای از لحاظ آماری ارجحیت دارد و نمونه‌گیری سهمیه‌ای شرط قابلیت تعمیم را به اندازه لازم دارا نیست؛ ولی دلایل متعددی منجر به استفاده از این شیوه نمونه‌گیری در تحقیق شده است که مهم‌ترین عامل استفاده از این شیوه نمونه‌گیری، ماهیت موضوع مورد مطالعه است.

از آنجایی که مهم‌ترین تفاوتی که نمونه‌گیری سهمیه‌ای با نمونه‌گیری طبقه‌ای دارد، این است که در نمونه‌گیری

غیراحتمالی مانند سهمیه‌ای پاسخگو شناخته نمی‌شود؛ اما در نمونه‌گیری احتمالی به نحوی است که در نهایت فرد پاسخگو شناخته می‌شود. به عبارت دیگر، افراد در نمونه‌گیری احتمالی به نحوی است که در نهایت فرد پاسخگو به این اطمینان خواهد رسید که محقق او را می‌شناسد. با توجه به این امر که موضوع مورد مطالعه در این پژوهش شناخت نقش رسانه ملی بر رفتار انتخاباتی است و محقق در پی شناخت گرایش‌ها و تمایلات سیاسی شهروندان است؛ لذا جنبه احتیاطی گرایش‌های سیاسی درونی افراد نمایان شده که از طرف پاسخگو ناشناختگی مطلوب‌تر است. همچنین، تجربه استفاده از نمونه‌گیری احتمالی و به‌دست آوردن نتایج کارآمد، تجربه‌ای است که دواس نیز به آن توجه کرده است.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

مطابق با چارچوب نظری این پژوهش، آراء و نظریات وبر که بر رابطه باورهای دینی و ایجاد یک نظام اقتصادی تمرکز دارد، بر این فرضیه است که تعبیری معین از مذهب پروتستان (کالوینسم) موجب ایجاد انگیزش‌هایی مساعد برای تشکیل نظام سرمایه‌داری شده است. از نظر وبر، باورهای مذهبی در

به عبارت دیگر دین‌داری قوی‌تری دارند، دیدگاه سنتی و بسته‌تری دارند؛ بنابراین محافظه‌کارانه رفتار می‌کنند، در انتخابات بیشتر مشارکت می‌کنند و به احزابی رأی می‌دهند که در این موضوعات با آنها هم عقیده هستند. در مقابل، کسانی که دین‌داری ضعیف‌تری دارند، نسبت به موضوع‌های فرهنگی وابسته به انتخابات دیدگاه بازتر و مدرن‌تری دارند و غیرسنتی و یا آزادتر رفتار می‌کنند، در انتخابات کمتر مشارکت می‌کنند و به احزابی رأی می‌دهند که در این گونه مسائل غیرسنتی و یا آزادتر رفتار می‌کنند. چنان که گذشت نتایج تحقیق این استدلال نظری را تأیید می‌کند.

تحقیقاتی که با عنوان رابطه میزان دینداری و میزان مشارکت در انتخابات انجام شده است، زمینه طرح این فرضیه را آماده کرد: میزان دینداری بیشتر به میزان مشارکت بیشتر در انتخابات منجر می‌شود. استدلال تحقیق حاضر هم این بود که با توجه به شرایط دینی نظام سیاسی موجود در کشور ایران، کسانی که دارای میزان دینداری بیشتر هستند برای پا برجایی نظام سیاسی که دینی است، بیشتر در انتخابات شرکت می‌کنند و نتایج تحقیق نیز این استدلال را تأیید می‌کند. بنابراین، هر دو فرضیه این تحقیق (به جز بعد تجربی دین‌داری با بعد گرایش رأی‌دهی رفتار انتخاباتی) تأیید می‌شود و نتایج نیز با دستگاه نظری تحقیق مطابقت دارد.

در پایان، پیشنهاد می‌شود رفتار انتخاباتی در سطوحی گسترده‌تر از موارد گفته شده، از جمله میزان و سطح فعالیت در انتخابات طراحی و رابطه آن با میزان دینداری سنجیده شود. با توجه به نوع نمونه‌گیری تحقیق، تجدید پژوهش با نمونه‌گیری احتمالی در سطح چند جامعه آماری نیز در خور پیگیری است.

منابع

ابوالحسنی، سیدرحیم. (۱۳۸۴). «نگرش و گرایش سیاسی مردم (اصلاح‌طلبی یا محافظه‌کاری)»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ش ۶۹، ص ۱-۴۲.
امام‌جمعه‌زاده، سید جواد؛ محموداوغلی، رضا و امید

دوره‌ای خاص، علت اصلی در تعیین جهت حرکت جوامع بوده است. به نظر او، باورهای دینی در یک دوره تاریخی خاص به عنوان یک متغیر مستقل قوی عمل کرده و ایجاد و رشد سرمایه‌داری در غرب را باعث شده است. به دنبال آن فرهنگ خاصی در حیطه سیاست نیز شکل گرفته است.

ارزش‌های آزادی و رقابت موجود در نظام اقتصادی سرمایه‌داری، در نظام سیاسی لیبرال دموکراسی نیز مشاهده می‌شود. به نظر می‌رسد که این باورهای دینی به طور مستقیم و غیرمستقیم از طریق ایجاد یک نظام اقتصادی، به ایجاد نوع خاصی از خرده نظام سیاسی مشتمل بر یک فرهنگ سیاسی ویژه نیز منجر شده است؛ فرهنگ سیاسی که شاید بتوان آن را یک فرهنگ سیاسی دموکراتیک نامید. به نظر ویر مناسک‌گرایی دینی از اصول بسیار نیرومند محافظه‌کاری اجتماعی است. شرط دگرگونی‌های تاریخی جوامع گسستن از مناسک‌گرایی بوده است. بر اساس این فرضیه، کاهش مناسک‌گرایی دینی به فراهم آوردن زمینه برای پذیرش تغییرات در حیطه خرده نظام سیاسی منجر می‌شود. به عبارت دیگر، می‌توان چنین اظهار داشت که هرچه افراد از لحاظ دینی مناسک‌گراتر باشند، از لحاظ سیاسی محافظه‌کارتر خواهند بود.

براساس نظر الکسی دو توکویل دینداران می‌توانند دارای یک فرهنگ دموکراتیک باشند و یا برعکس، در برابر آن مقاومت کنند. وی با بررسی دو نظام اجتماعی در آمریکا و فرانسه نشان می‌دهد که چگونه روحیه دینی در آمریکا موفق به ایجاد یک نظام و فرهنگ سیاسی دموکراتیک شده است و چگونه این روحیه دینی در فرانسه در راه شکل‌گیری یک نظام و فرهنگ سیاسی دموکراتیک مانع ایجاد کرده است. در نهایت، می‌توان گفت افراد دیندارتر نسبت به کسانی که دینداری کمتری دارند، در انتخابات بیشتر مشارکت می‌کنند.

براساس نظریه جنگ‌های فرهنگی نیز، اعتقادات و اعمال مذهبی، خود القاکننده ترجیحات سیاسی و حزبی مشخص هستند. کسانی که اعتقادات و اعمال دینی شدیدتر یا

ریاست جمهوری پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران ۷۲-۵۱، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه تربیت مدرس تهران.

رفعت‌جابه، مریم. (۱۳۷۶). بررسی عوامل مؤثر در عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان مدارس غیردولتی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی.

سراج‌زاده، سیدحسین و مهناز توکل. (۱۳۸۰). «بررسی تعریف عملیاتی دین‌داری در پژوهش‌های اجتماعی»، فصلنامه نامه پژوهش، سال پنجم، ش ۲۰ و ۲۱، ص ۱۵۹-۱۸۸.

سراج‌زاده، سیدحسین. (۱۳۸۳). چالش‌های دین و مدرنیته؛ مباحثی جامعه‌شناختی در دین‌داری و سکولارشدن، تهران: طرح نو.

شجاعی‌زند، علیرضا. (۱۳۸۴). «مدلی برای سنجش دین‌داری در ایران»، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ۶، ش ۱، ص ۱۴۵-۱۶۸.

شهیدی‌نیا، علی. (۱۳۷۹). عوامل مؤثر بر رفتار انتخاباتی (ترجیحات رأی‌دهی) رأی‌دهندگان استان کرمانشاه طی دوره اول تا پنجم شورای اسلامی از دیدگاه کارشناسان استان کرمانشاه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی دانشگاه شهید بهشتی.

طالبان، محمدرضا. (۱۳۸۰). بررسی تجربی دین‌داری نوجوانان کشور، تهران: دفتر توسعه و برنامه‌ریزی امور پرورشی وزارت آموزش و پرورش.

طالبان، محمدرضا و میرزائی، مهدی. (۱۳۸۹). «بررسی تجربی ارتباط سطوح دین‌داری با رفتار انتخاباتی دانشجویان»، دانشنامه علوم اجتماعی، دوره اول، ش ۴، ص ۳۳-۶۷.

طالبان، محمدرضا و میرزائی، مهدی. (۱۳۹۰). «دین‌داری و رفتار انتخاباتی»، مجله علوم اجتماعی دانشکده

عبسی‌نژاد (۱۳۸۹)؛ «بررسی رابطه میان دین‌داری و مشارکت سیاسی دانشجویان دانشگاه اصفهان»، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال ششم، شماره اول، صص ۷-۳۴.

امام‌جمعه‌زاده، سید جواد و همکاران. (۱۳۹۲). «رابطه میان دین‌داری و رفتار انتخاباتی»، دوفصلنامه مطالعات قدرت نرم، سال سوم، شماره هشتم، صص ۲۷-۴۴. اینگلهارت، رونالد. (۱۳۷۳). تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی، ترجمه: مریم وتر، تهران: انتشارات کویر.

برگر، پیترال. (۱۳۸۰). افول سکولاریزم (دین خیزش گر و سیاست جهانی)، ترجمه: افشار امیری، تهران: پنگان.

پاتنام، رابرت. (۱۳۸۰). دموکراسی و سنت‌های مدنی، ترجمه: محمدتقی دلفروز، تهران: دفتر مطالعات سیاسی وزارت کشور.

پیشگاهی‌فرد، زهرا. (۱۳۸۰). «سیمای جغرافیایی انتخابات پارلمانی استان همدان»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، ش ۱۵۸ و ۱۵۹، صص ۵۴۵-۵۵۸.

دزری، علی. (۱۳۸۲). جامعه‌شناسی انتخابات: تحلیل الگوی رفتار انتخاباتی مردم استان مرکزی در هشتمین دوره انتخابات ریاست جمهوری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه تهران.

راش، مایکل. (۱۳۷۷). جامعه و سیاست: مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی، ترجمه: منوچهر صبوری، تهران: سمت.

ربیعی، علی. (۱۳۸۰). جامعه‌شناسی تحولات ارزشی: نگاهی به رفتار شناسی رأی‌دهندگان در انتخابات دوم خرداد ۱۳۷۶، تهران: فرهنگ و اندیشه.

رضی، داوود. (۱۳۷۴). بررسی تطبیقی عوامل اجتماعی مؤثر بر میزان مشارکت مردم در انتخابات شش دوره

- Social Forces*, No. 54(4), P 866-889.
- Greeley, Andrew. (1997) "Coleman Revisited: Religious Structures as a Source of Social Capital." *American Behavioral Scientist*, No. 40, p 587-594.
- Guth, James, and John Green. (1991) *The Bible and the Ballot Box: Religion and Politics in the 1988 Election*. Boulder, CO: Westview.
- Heath, Anthony, Roger Jowell and John Curtice. (1985) *How Britain Votes*. Oxford: Pergamon Press.
- Kim, Junghyoun. (2006) "Religion and Political Attitudes in South Korea". Dissertation for the Degree of Doctor of Philosophy, University of Tennessee, Knoxville.
- Kotler, A. & Laurence-Berkowitz. (2001) "Religion and Voting Behaviour in Great Britain: A Reassessment". *British Journal of Political Science*. Vol. 31, No. 3, P 523-554.
- Lipset, S.M. & Rokkan Stein. (1967) *Party Systems and Voter Alignments: Cross-National Perspective*. NY, Free Press.
- Lipset, Seymour. (1964) *Religion and Politics in the American Past and Present*. In *Religion and Social Conflict*, edited by R. Lee and M. Marty. New York: Oxford University Press.
- Macaluso, Theodore F. & John Wanat. (1979) "Voting Turnout & Religiosity". *Polity*. Vol. 12, No. 1, P 158-169.
- Marshall, Gordon. (1966) *Oxford Concise Dictionary of Sociology*. Oxford, Oxford University Press.
- McCormick, Richard. (1986) *Party, Period, and Public Policy*. New York: Oxford University Press.
- Miech, R. and Hauser, M. (2001) "Socioeconomic Status and Health at Midlife: A Comparison of Educational Attainment with Occupation-Based Indicators, *AEP*, Vol. 11, No. 2., p 191-206.
- Miller, Alan S. & Rodney Stark. (2002) "Gender and Religiousness: Can Socialization Explanations Be Saved?". *American Journal of Sociology*. *The University of Chicago*, Vol. 2, p 27-43.
- Nordstorma, Ch. Ana V. Diez, R. Sharon, A. Jacksonb, J. Gardinc, M. (2004) "The Association of Personal and Neighborhood Socioeconomic Indicators with Subclinical Cardiovascular Disease in an Elderly Cohort, The Cardiovascular Health Study". *Social Science & Medicine*, Vol. 59L, p 2139-2147
- Pulzer, Peter G. J. (1967) *Political Representation and Elections in Britain*. London: Allen & Unwin.
- Rose, Richard & Ian McAllister. (1986) *Voters Begin to Choose*. London: Sage Publications.
- ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، سال هشتم، دوره ۱، ش ۴، ص ۱۳۱-۱۶۶.
- کشاوری، زهرا سادات. (۱۳۹۱). بررسی نقش رسانه ملی بر رفتار انتخاباتی شهروندان با تأکید بر نظام مردم سالاری دینی در ایران (مورد مطالعه: شبکه استانی اصفهان)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم اجتماعی، اصفهان: دانشگاه اصفهان.
- لازارسفلد، پل فیلیکس، برنارد برلسون و هاتسل گودت. (۱۳۸۲). انتخاب مردم: چگونه مردم در انتخابات ریاست جمهوری تصمیم می‌گیرند، ترجمه: محمدرضا رستمی، تهران: تبلور.
- لیپست سیمور مارتین. (۱۳۸۳). دایره‌المعارف دموکراسی، ترجمه: کامران فانی و نورالله مرادی، تهران: وزارت امور خارجه، کتابخانه تخصصی.
- مور، استفان. (۱۳۸۵). کلیات جامعه‌شناسی، ترجمه: عباس محمدی اصل، تهران: انتشارات علم.
- Alford, Robert R. (1967) "Class Voting in Anglo-American Systems". In Seymour Martin Lipset and Stein Rokkan (Eds). *Party Systems and Voter Alignments*. New York: The Free Press. P 67-93.
- Bartle, John. (1998) "Left-Right Position Matters, but Does Social Class? Causal Models of the 1992 British General Election". *British Journal of Political Science*. 28, P 501-29.
- Busch, Beverly G. (1998) *Faith, Truth, and Tolerance: Religion and Political Tolerance in the United States*. dissertation for the Degree Doctor of Philosophy. University of Nebraska, Lincoln.
- Butler, David & Donald Stokes. (1969) *Political Change in Britain: Forces Shaping Electoral Choice*. New York: Macmillan.
- Chuma, J. & Molyneux C. (2009) "Estimating Inequality in Ownership of Insecticide Treated Nets: Does the Choice of Socioeconomic Status Measure Matter?" *Health Policy and Planning*, No. 24, p 83-93.
- Deaton, A. (1997) *The Analysis of Household Surveys: A Microeconomic Approach to Development Policy*, Washington, DC: The World Bank.
- Dennis, Jack. (1987) "Groups and Political Behavior: Legitimation, Deprivation and Reconsidered: Evidence from Across - Cultural Study".

- Sarlwick, Bo. & Ivor Crewe. (1983) *Decade of Dealignment: The Conservative Victory of 1979 and Electoral Trends in the 1970s*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Secret, E. Philip, James B. Johnson, Audrey W. Forrest. (1990) "The Impact of Religiosity on Political Participation and Membership in Voluntary Associations Among Black and White Americans". *Journal of Black Studies*. Vol. 21, No. 1, The Emerging African-American Environment. P 87-102
- Swierenga, Robert. (1990) "*Ethnoreligious Political Behavior in the Mid-Nineteenth Century: Voting, Values, and Culture*" in Religion and American Politics. M. Noll (Ed.). New York: Oxford University Press.
- Swierenga, Robert. (1990). "Ethnoreligious Political Behavior in the Mid-Nineteenth Century: Voting, Values, and Culture" in Religion and American Politics. M. Noll (Ed.). New York: Oxford University Press.
- Verba, Sidney, Kay Lehman Schlozman and Henry Brady. (1995) *Voice and Equality: Civic Voluntarism in American Politics*. Cambridge, MA: Harvard University Press.
- Williams, Sabrina Diane. (1999) *African-American religious experience and political participation in an urban setting*. dissertation for the Degree of Doctor of Philosophy Wayne State University, Detroit, Michigan.
- Wood, Richard. (1997) "Social Capital and Political Culture: God Meets Politics in the Inner City". *American Behavioral Scientist*, No. 40, p 595-605.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

